

Religious Extremism Discourse and Its Critique from the Perspective of the Holy Quran (with Emphasis on Contemporary Afghanistan)¹

Seyyed Hossein Fakhre Zare² 

Khadem Ali Qasemi³ 

2. Assistant Professor, Department of Cultural Studies, Institute for Cultural and Social Studies, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran (Corresponding Author).

faryadfakhr@gmail.com

3. PhD Student in Quranic and Social Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

khademaliqasemi15@gmail.com



Abstract

The phenomenon of religious extremism in the Islamic world is an unfortunate issue that, through its violent actions against followers of other Islamic denominations, has caused extensive social harm and consequences. The harmful effects of these actions are now clearly visible in human societies, especially in Islamic communities. Undoubtedly, the spread of divisions and the intensification of conflict within the Islamic Ummah, particularly in the Middle East and Afghanistan, are direct consequences of religious extremism. For several decades, religious extremist groups have been active in Afghanistan. Prolonged internal conflicts and wars in Afghanistan have made it a safe haven and breeding ground for these extremist groups. Their actions in Afghanistan have led

1. **Cite this article:** Fakhre Zare, S. H., & Qasemi, K. A. (2024). Religious Extremism Discourse and Its Critique from the Perspective of the Holy Quran (with Emphasis on Contemporary Afghanistan). *Journal of Islam and Social Studies*, 12(46), 100-129.

<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.68602.2077>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 18/02/2024 •  **Revised:** 13/07/2024 •  **Accepted:** 26/10/2024 •  **Published online:** 18/12/2024

© The Authors



to the portrayal of Islam as a violent religion opposed to coexistence, peace, and human kindness. Today, as a result of these groups' activities, Afghanistan faces various social problems such as insecurity, displacement, poverty, misery, and destruction. This study aims to examine the discourse of religious extremism in contemporary Afghanistan and critique it based on Quranic teachings. The research is applied in nature and uses documentary and library-based data, analyzed through critical discourse analysis. The findings indicate that religious extremism, particularly in the Islamic world and Afghanistan, arises from the ideological principles of these groups, particularly their understanding and interpretation of " Monotheism in worship," which is critiqued in this research based on Quranic teachings.

Keywords

Extremism, Religious Extremism, Monotheism in Worship, Infidelity, Polytheism,



گفتمان افراط‌گرایی مذهبی و نقد آن از منظر قرآن کریم (با تأکید بر افغانستان معاصر)^۱

id^۳ خادم‌علی قاسمی

id^۲ سیدحسین فخرزارع

۲. استادیار، گروه فرهنگ‌پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

faryadfakhr@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری قرآن و علوم اجتماعی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

khademailqasemi15@gmail.com



چکیده

جریان افراط‌گرایی مذهبی در جهان اسلام پدیده‌ای نامیمون است که با عملکرد خشونت‌طلبانه خود درقبال پیروان دیگر مذاهب اسلامی، لطمات، آسیب‌ها و پیامدهای گسترده و گوناگون اجتماعی را تحمیل کرده است. اثرات زیان‌بار ناشی از عملکرد آنان امروزه در جوامع انسانی به‌ویژه جوامع اسلامی به‌طور آشکار قابل مشاهده است. بدون‌شک گسترش اختلافات و شعله‌ورشدن آتش نزاع در میان امت اسلامی در گستره جهان اسلام، کشورهای خاورمیانه به‌ویژه افغانستان به‌طور مسلم از پیامدهای افراط‌گرایی مذهبی است. در افغانستان بیش از چند دهه است که جریان‌های افراط‌گرایی مذهبی حضور و فعالیت دارند. چندین دهه جنگ و منازعات درونی در افغانستان باعث شده که این کشور محل حضور، پناهگاه امن و مرکز پرورش گروه‌های افراطی باشد. آنها با عملکرد خود در افغانستان باعث شدند اسلام به‌عنوان دینی خشونت‌طلب و مخالف همزیستی، صلح و انسان دوستی معرفی گردد. امروزه بر اثر فعالیت این گروه‌ها، این کشور با انواع مشکلات اجتماعی مانند ناامنی، آوارگی، فقر، بیچارگی و ویرانگری به‌جا مانده دست و پنجه نرم می‌کند.

۱. **استناد به این مقاله:** فخرزارع، سیدحسین؛ قاسمی، خادم‌علی. (۱۴۰۳). گفتمان افراط‌گرایی مذهبی و نقد آن از منظر قرآن کریم (با تأکید بر افغانستان معاصر). اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۲(۴۶)، صص ۱۰۰-۱۲۹.

<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.68602.2077>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸



در این جستار تلاش بر این است که گفتمان افراط‌گرایی مذهبی در افغانستان معاصر مورد بررسی قرار گرفته و به نقد آن براساس آموزه‌های قرآن پرداخته شود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع داده‌ها، اسنادی و کتابخانه‌ای است که با روش تحلیل گفتمان انتقادی بررسی شده است. یافته‌های به دست آمده بیانگر آن است که افراط‌گرایی مذهبی در جهان، به‌ویژه در جهان اسلام و افغانستان برخاسته از اصول فکری این گروه‌ها به‌ویژه فهم و تفسیر آنان از «توحید عبادی» می‌باشد که در این تحقیق براساس آموزه‌های قرآن مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

افراط‌گرایی، افراط‌گرایی مذهبی، توحید عبادی، کفر، شرک، شفاعت، توسل.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بررسی عمیق مسئله افراط‌گرایی به‌ویژه افراط‌گرایی مذهبی به‌عنوان معضلی اجتماعی مشخص می‌کند که افراط‌گرایی مذهبی یا ریشه در نص‌گرایی و تفسیرهای متفاوت فرقه‌های یهودی دارد و یا از اختلافات کلیساهای شرق و غرب و درگیری‌های مذهبی الاهیات رادیکالیسم مسیحی نشأت می‌گیرد که به‌مرور زمان به افراط‌گرایی مذهبی موسوم شده است (پیتر و هریوت، ۱۴۰۰، صص ۱۶۰-۱۶۳). افراط‌گرایی مذهبی ابتدا در جوامع مسیحی به‌ویژه در داخل تحولات کشور آمریکا شکل گرفته و به‌تدریج در سایر کشورها به‌ویژه کشورهای مسلمان بروز و ظهور یافته است. هرچند اندیشه افراط‌گرایی مذهبی ریشه در تاریخ اسلام و ظهور خوارج دارد؛ اما تسلط غرب و فرهنگ غربی در گسترش افراط‌گرایی مذهبی در جهان اسلام بی‌تاثیر نبوده است، این فرهنگ در جهان اسلام پیامدهای فراوان فرهنگی و اجتماعی در پی داشت که یکی از آنها مسئله بازگشت به خلافت بود که امروزه از اساسی‌ترین و محوری‌ترین مسئله‌ها در حوزه فکر و اندیشه دینی و اجتماعی مسلمانان به‌ویژه افراط‌گرایان مذهبی به‌شمار می‌آید؛ براین اساس برخی از متفکران و دانشمندان اهل سنت، گرایش سلفی دارند، صدها جلد کتاب نوشته و احزاب و گروه‌های زیادی را به‌وجود آوردند تا از این طریق به آرزوها و اهدافی همچون بازگشت به خلافت در جوامع اسلامی برسند.

مطالعه این وضعیت نشان می‌دهد که دانشمندان دردمند و دلسوز بسیاری بودند که نمی‌خواستند فرهنگ مبتذل غرب بر تاروپود جوامع اسلامی سایه بگستراند؛ از همین رو آنها خواهان اقتدار جامعه اسلامی بودند و راهکار اساسی برون‌رفت از وضعیت ناگوار فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی را بازگشت به وضعیت صدر اسلام و پیروی از آموزه‌های دینی و الگوی رفتار سیاسی صدر اسلام بیان داشتند (البواطی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۸). با این وجود، برخی با سوءاستفاده از این شعار، از تفکرات ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب پیروی کرده و آن را به‌عنوان افکار سلف ترویج و جایگزین افکار و اندیشه‌های اندیشمندان این ایده نمودند و دغدغه دانشمندان دردمند مسلمان را با تفکرات ابن تیمیه

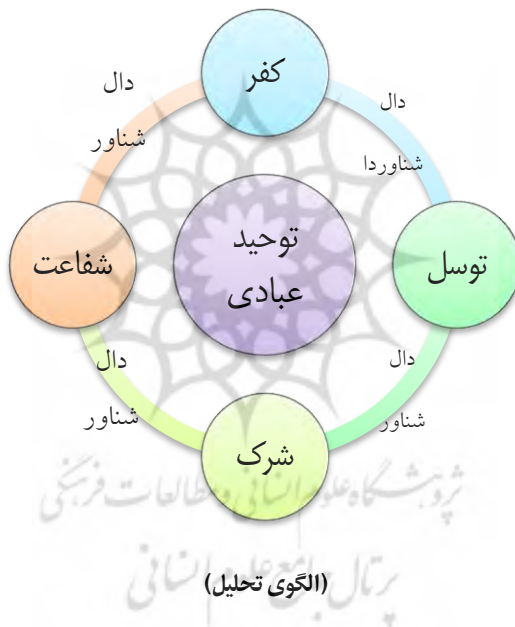
و محمد بن عبدالوهاب درهم آمیخته و به پیروی از آن، خشونت و تکفیر را در جوامع اسلامی به ویژه در افغانستان ترویج کردند و مشکلات اجتماعی فراوان را در عصر کنونی در این کشور و دیگر بلاد اسلامی به وجود آورده‌اند (عبدالسلام فرج، بی تا، ص ۲۱)؛ از این رو می توان ادعا کرد که جریان‌ها و گروه‌های افراط‌گرایی مذهبی ریشه در فتنه‌های صدر اسلام دارد. به عبارتی امروزه جهان اسلام به ویژه کشورهای خاورمیانه و افغانستان با افکار و اندیشه‌هایی روبروست، که به اسم سلف و سلفی‌گری به کفر دیگر مسلمانان فتوی داده و فرهنگ خشونت را در جوامع اسلامی به ویژه کشور افغانستان تبلیغ می‌کنند.

۱. الگوی تحلیل و هدف از پژوهش

در زمان کنونی در جوامع اسلامی و کشورهای خاورمیانه به خصوص افغانستان افراد و گروه‌های زیادی وجود دارند که تحت تاثیر افکار و اندیشه‌های افراط‌گرایان مذهبی فعالیت‌های تبه کارانه مانند انتحار و انفجار در مراکز دینی، تعلیمی و اماکن عمومی و... مرتکب می‌شوند و مردم مظلوم و بی‌گناه را با اتهام کفر و شرک قتل عام می‌کنند. این افکار و رفتارهای مبتنی بر آن، نشانگر این است که گروه‌ها و جریان‌های افراط‌گرایان مذهبی برخلاف آموزه‌های دین و دستورات آشکار قرآن عمل کرده و مرتکب اعمال جنایت کارانه‌ای مانند قتل عام و کشتار افراد بی‌گناه می‌شوند؛ در حالی که براساس آموزه‌های قرآن انسان موظف است حتی در صحنه جهاد و مبارزه براساس عدالت رفتار کرده، به انسانیت احترام گذاشته و از قتل و کشتار قساوت‌بار و گسترده دوری کند. با توجه به عملکرد خشونت آمیز و اختلاف برانگیز گروه‌های افراط‌گرایی مذهبی در جهان از جمله در کشورهای اسلامی و کشور افغانستان، ضرورت دارد ضمن بررسی زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری این گروه‌ها به مبانی دینی و اصول فکری و ایدئولوژی این گروه‌ها پرداخته شود و رفتار و عملکرد نابه‌جار آنها با توجه به اصول فکری و ایدئولوژی‌شان مورد مطالعه قرار گیرد.

براین اساس هدف این پژوهش، بررسی اصول فکری و ایدئولوژیکی گروه‌های

افراط‌گرایان مذهبی به‌عنوان معضلی اجتماعی است. در این پژوهش با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان ابزار و وسیله کارتحقیق، «توحید عبادی» را که در گفتمان حاکم بر افراط‌گرایان مذهبی از محوریت و جایگاه مهمی برخوردار است، به‌عنوان دال مرکزی و کفر و شرک و همچنین شفاعت و توسل که بر محوریت شرک و کفر شکل می‌گیرد، به‌عنوان دال‌های شناور مفصل‌بندی کند؛ بنابراین توحید عبادی به‌عنوان دال مرکزی و مفاهیم مانند: شرک، کفر، شفاعت و توسل به‌عنوان دال‌های شناور در این الگو ترسیم شده‌اند.



۲. چارچوب مفهومی

مفهوم افراط‌گرایی یکی از مبهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مفاهیم در اندیشه معاصر به‌ویژه در دانش و اندیشه اجتماعی است. علی‌رغم این‌که، این مفهوم به‌طور گسترده و فراوان در ادبیات علوم اجتماعی استفاده می‌شود، تعریف دقیق و مشخصی در مورد آن وجود ندارد؛ به‌همین دلیل افراد، اشخاص و گروه‌های زیادی برای اینکه رقیب خود را

تحت فشار قرار داده و از صحنه خارج نمایند، برچسپ افراط‌گرایی به آنها می‌زنند (ویلکاکی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷). راجر اسکروتن در کتابی تحت عنوان فرهنگ و اندیشه سیاسی، افراط‌گرایی را چنین تعریف کرده: «افراط‌گرایی اصطلاحی مبهم و حاوی معانی مختلف می‌باشد که عبارت است از باورهای افراطی و توجه نمودن به عواقب خطرناک و ناگوار آن که از هنجارهای رفتاری مناسب برخوردار نیستند، احساسات مخالفان را مدنظر نداشته و تنها هدف‌شان در هم‌شکستن مخالفان می‌باشد (ویلکاکی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). ویلکاکی از پژوهشگران برجسته در حوزه افراط‌گرایان مذهبی است که سال‌هایتمادی در رابطه با گروه افراطی، خشن و جنگ‌طلب تحقیق و ویژگی‌هایی فراوانی را برای طرز تفکر، اندیشه و هم‌چنین هنجارهای رفتاری افراط‌گرایان برشمرده است، که نگاه به آنها تا حدودی می‌تواند فهم ما از افراط‌گرایی را روشن سازد، مطلق‌انگاری، تفکر سیاه و سفید، رفتار بر اساس برداشت‌های ناموجه و غیرمسئولانه، عمل بر اساس ظن و گمان، داوری درباره خود و دیگران بر اساس معیارهای دوگانه، شرپنداشتن مخالفان و منتقدان، غیریت‌سازی مداوم و... از ویژگی‌های تشکیل‌دهنده افراط‌گرایی مذهبی است (ویلکاکی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۸-۱۱۲). این تعاریف که در باره جنبش‌های بنیادگرا و افراطی در سده‌های گذشته در جهان علی‌الخصوص در جهان اسلام بروز و ظهور یافته است، طی چند سده واپسین اسامی گوناگون و متنوعی چون: احیاگری، بنیادگرایی، پاک دینی، تجدید دعوی، اصلاح‌طلب، بیداری، رستاخیز، تجدید رنسانس، حیات‌بخش دوباره، مبارزه‌جو، فعال‌گرایی، اعتقاد به ظهور منجی، مهدویت، بازگشت به اسلام و... به‌خود گرفته است. با توجه به اسامی ذکرشده مناسب است که با درنظرداشتن آموزه‌های دینی به مفاهیم و اصطلاحاتی بپردازیم که در جهان اسلامی تولید و پدید آمده‌اند. این اصطلاحات و مفاهیم که مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی این حوزه مطالعاتی قرار گرفته عبارتند از: بعثه اسلامی، رنسانس اسلامی، صحوه اسلامی، بیداری اسلامی، احیاء دین، تجدید حیات دینی، اصولیة الاسلامیه، بنیادگرایی اسلامی، افراط‌گرایی مذهبی.

۳. مفهوم شناسی

از نگاه لغویین، افراط^۱ مصدر است و معنای اغراق، ضد تفریط، زیاده‌روی و مبالغه می‌دهد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۲۷)؛ همچنین افراط‌گرایی را به معنای از حد گذشتن، از حد و اندازه تجاوز کردن، زیاده‌روی آمده است (عمید، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۸۴). ابن منظور می‌گوید: علماء لغت افراط را به معنای از حد گذشتن، زیاده‌روی کردن در کار و اسراف معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۷۲). دانشمندان و لغت‌شناسان غربی، بنیادگرایی^۲ را از جلوه‌های افراط‌گرایی دانسته و معنای اساسی آن، شالوده، اساس، و پایه می‌دانند که مترادف «الاصولیه» واژه عربی که به معنای بازگشت به اصول و مبانی است (بريجانين، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۸۵) معنی می‌دهد. این در صورتی است که دانشمندان و متفکران اسلامی در نصوص و فرهنگ اسلامی واژه‌هایی همچون: غلو، تدروی، ژرف‌نگری، تعمق بیش از حد، تشدد و سخت‌گیری را مترادف واژه افراط به کار گرفته‌اند (قرضاوی، ۱۴۲۷، ص ۸۴) و با توجه به این تعاریف از منظر دانشمندان و پژوهشگران اسلامی می‌توان گفت: واژه افراط و افراط‌گرایی به معنای زیاده‌روی و از حد گذشتن است که البته با توجه به شرایط، موضوع و جایگاه ممکن است تفاوت پیدا کند.

اما در اصطلاح دانشمندان، افراط و افراط‌گرایی از واژه یونانی رادی کس^۳ به معنای ریشه و صفتی دانسته شده که به نگرش‌ها و ارزش‌هایی که در تحولات و تغییرات بنیادی نهادهای اجتماعی تاثیر دارد اطلاق می‌شود (موحدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۸). از نگاه قرضاوی، اعتدال‌گرایی به معنی وسطیت می‌باشد و معتقد است وسطیت یعنی دوری از افراط و تفریط، چنانچه افراط به معنای زیاده‌خواهی باشد. مسلماً تفریط به معنای کاستی معنا می‌گردد، پس حد وسط افراط و تفریط همان اعتدال و میانه‌روی است که از تعریف قرضاوی استفاده می‌شود (قرضاوی، ۱۴۲۷، ص ۲۳۷). سیدحسین نصر در این باره معتقد است: بنیادگرایی، نسجیده‌ترین اصطلاح ناخوشایند، ساختگی و دارای بار معنایی

1. extremism
 2. fundamentalis
 3. radix

شیطانی است که برای کوبیدن اسلام به کار گرفته شده است. ایشان اعتقاد دارد که بیشتر مسلمانان هنوز سنت گرا هستند و کنش‌های آنها را باید از تجدیدطلبان سکولار و هم از بنیادگرایان با معنایی که رسانه‌های غربی به کار می‌برند جدا نمود؛ زیرا خیلی از جنبش‌های مقاومت اسلامی را نباید بنیادگرا خواند و هم‌چنین باید حساب این جنبش‌های مقاومت و اسلامی را از جنبش‌های بنیادگرا که بدون توجه به اصول و قواعد دینی و انسانی دست به خشونت و کشتار می‌زنند جدا کرد. جالب این است که ایشان از بنیادگرایی سکولار نیز سخن به میان می‌آورد و بنیادگرایی سکولار را تعصب‌آمیزترین و جزمی‌ترین ایدئولوژی می‌داند (بابی، ۱۳۹۹، صص ۲۱۷-۳۰۳).

باتوجه به دیدگاه‌های دانشمندان و پژوهشگران اسلامی و غیراسلامی افراط‌گرایی در جهان تنها وجهه دینی و مذهبی ندارد، هرچند جنبه غالبی‌شان دارای منشاء دینی و مذهبی است؛ اما با نگاه عمیق‌تر به تاریخ افراط‌گرایی نشان می‌دهد که عوامل متعدد و گوناگون اجتماعی در پیدایش گروه‌ها و جنبش‌های افراطی دخیل است.

۳-۱. افراط‌گرایی مذهبی

در تعریف دقیق افراط‌گرایی مذهبی، دین‌پژوهان و دانشمندان علوم اجتماعی با مشکلاتی روبرو هستند و عمدتاً با عناوین مبهم دیگر چون: بنیادگرایی، اسلام‌گرایی و... تبیین و بررسی می‌گردد. این بازنمایی‌ها که نوعاً از دید متفکران و دانشمندان غربی به تحولات و مشکلات موجود در جهان اسلام صورت می‌گیرد نه تنها دقیق نمی‌باشد بلکه گاه مغرضانه و جانب‌دارانه نیز صورت می‌پذیرد (بابی‌سعید، ۱۳۹۰، ص ۵۱)؛ زیرا طبق این برداشت همه گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی، افراطی و تندرو پنداشته می‌شوند، به دلیل اینکه طبق اصول و مبانی فکری گروه‌های اسلامی «دیانت از سیاست» جدا نبوده، بلکه ممیزه اصلی تمام جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی همین امر می‌باشد. چنانچه قرضای می‌گوید: برخی برداشت‌ها از افراط‌گرایی چنان افراطی و بی‌دروپیکرند که حتی افراد متدین که ظاهر اسلامی را رعایت کرده یا افرادی که آداب و سنن اسلامی را در رفتار و کردار خود رعایت می‌کنند، در زمره افراط‌گرایان مذهبی قرار گرفته و جزء

افراط‌گرایان محسوب می‌شوند (قرضاوی، ۱۴۰۲ق، ص ۳۵). از نظر ایشان افراط‌گرایان مذهبی دارای مشخصه‌هایی هستند که عبارتند از: تعصب و اتکا به آرای خود و عدم اعتراف به آرای دیگران، الزام همه به آنچه که خداوند مردم را به آن ملزم نموده است، سخت‌گیری‌های ناروا و بی‌مورد و اعمال آن‌ها در همه شرایط بدون لحاظ شرایط زمانی و مکانی، خشونت و اعمال شاق و سخت‌گیرانه، داشتن نگاه بدبینانه و سوءظن و غیریت‌ساز و سقوط در ورطه تکفیر و شرک (قرضاوی، ۱۴۰۲ق، صص ۳۹-۵۳). برخی از تعاریف، ویژگی اصلی افراط‌گرایی مذهبی را خشونت‌های اجتماعی می‌دانند که عبارتند از «نوعی رفتار خشونت‌آمیز و هدف‌مند که از پشتوانه بسیار قوی و محکم هویتی و ایدئولوژیک برخوردارند و درصدد صدمه‌واردنمودن به دیگران می‌باشد» (جمالی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). در تعریف دیگر «افراط‌گرایی، صفت افراد و گروه‌هایی است که به‌طور معمول برای تحمیل باورها، ایدئولوژی یا ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر باورهای دینی خود به دیگران با خشونت و ارباب‌متوسل می‌شوند» (آدمی، ۱۳۹۴، ص ۳۸)؛ هرچند همه جریان‌های افراط‌گرا، چه سیاسی، چه قومی و چه مذهبی برای رسیدن به اهداف آرمان‌های خود از خشونت بهره می‌برند، اما تمایز افراط‌گرایی مذهبی از سایر افراط‌گرایان نه در اصل خشونت و ارباب‌گری است، بلکه در نوع آن می‌باشد. افراط‌گرایی مذهبی از خشونت خاصی برخوردار است که می‌توان آن را خشونت شدید و دوچندان به حساب آورد. منظور از خشونت مضاعف و مشدد، خشونت ایدئولوژیک است که با توجه به آموزه‌های دینی مانند جهاد، شهادت، امر به معروف، نهی از منکر و... تقدس یافته و جنبه‌های الهی و ماورایی به خود می‌گیرد؛ درحالی که سایر جریان‌های افراط‌گرایی بیشتر نگاه ابزاری به رفتار خشونت‌آمیز دارند و از آن به‌عنوان رسیدن به اهداف‌شان استفاده می‌کنند. اما در افراط‌گرایی مذهبی نفس خشونت‌ورزی که در قالب ترور، انتحار و کشتار جمعی و اعمال خشن دیگر اعمال خشن انجام می‌شود، مقدس، وظیفه الهی و دارای ارزش ذاتی و معنوی دانسته می‌شود. این امر به یک انرژی عظیم و ویرانگر مبدل گردیده که دارای پیامدهای وحشتناک، جبران‌ناپذیر و مهارناشدنی از هرگونه افراطیت مبتنی بر خشونت است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: مقصود از افراط‌گرایی مذهبی در این پژوهش نوعی شیوه تفکرورزی و عمل رفتاری است که بر حقانیت و هویت انحصاری یک گروه مذهبی خاص تأکید می‌کند و سایر فرقه‌ها و گروه‌های دینی و اجتماعی را انحرافی دانسته و بیرون از دایره اسلام و مسلمانی تلقی می‌کند؛ براین اساس افراط‌گرایان مذهبی به خود اجازه می‌دهند هرگونه خشونت و رفتار مبتنی بر خشونت در اجتماع را برای خود مشروع و مجاز بدانند. برای نمونه می‌توان از اعمال و رفتار افراط‌گرایان مذهبی در جهان اسلام به خصوص به کشور افغانستان یاد کرد. در افغانستان در دوره جهاد این کشور علیه ارتش شوروی سابق، بسیاری از بنیادگرایان دینی از کشورهای گوناگون به‌طور عمده از کشورهای عربی با انگیزه جهاد علیه ارتش شوروی سابق در این کشور حضور یافتند و تاکنون به بهانه جهاد علیه حضور نیروهای خارجی در طول چند دهه رفتار خشونت‌آمیز، خود را با دین و آموزه‌های دینی و شریعت پیوند زده، حملات هدف‌مند و سازمان‌یافته‌ی را طراحی کرده و به قتل عام مردم بی‌گناه مردم افغانستان در مکاتب، مساجد، آموزشگاه‌ها و حتی در بیمارستان‌ها مبادرت می‌کنند، رفتار و عملکرد خود را استشهادی نام نهاده و مرتکبین این اعمال جنایت کارانه و ننگین را مجاهد، مبارز و کشته‌گان خود را شهید می‌خواند، چندین سال حملات انتحاری در مراکز فرهنگی، آموزشی شیعیان، انفجار بازارها و مراکز تجمعی و اختطاف، حملات و کشتار در مسیر و شاهراه‌های افغانستان نمونه‌های روشن و عینی و گواه بر این است که براساس نگرش و باورها جریان‌ات افراطی مذهبی، بسیاری دیگر از هویت‌های دینی و مذهبی تکفیر گردیده و تعرض به اموال، حقوق، دارایی‌ها و کشتار آنان مباح و مشروع می‌باشد.

۲-۳. گفتار حاکم بر ادیان توحیدی

شاید بهترین شروع در این زمینه، سخن علامه محمدحسین کاشف‌الغطا باشد که گفت: «اسلام دو ستون دارد؛ «کلمه توحید» و «توحید کلمه» (عبدو، ۱۳۸۸، ص ۱۹). توحید، جان‌مایه و اصول فکری تعالیم اسلامی و جامعه اسلامی را شکل می‌دهد که در این جستار نیز از منظر دینی و دانشمندان و فقیهان اسلامی (شیعه، سنی) به‌عنوان

مقدمه مورد گفتگو مورد قرار گرفته و سپس توحید، به‌ویژه «توحید عبادی» از منظر افراط‌گرایان مذهبی تحلیل و بررسی شده و برداشت و قرائت آنها از منظر قرآنی مورد نقد واقع شده است.

از آنجا که مسئله توحید و یکتاپرستی با فطرت انسان در ارتباط است و رجوع به درون جز توحید و یکتایی را برنتابیده و مورد پذیرش قرار نمی‌دهد، و هم‌چنین دارای سابقه و پیشینه‌ای به قدمت انسان است، قرآن عبادت را منحصر به بارگاه ملکوتی خداوند متعال دانسته و فلسفه وجودی انبیا به‌ویژه بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را همان‌طور که در بیشتر آیات الهی ذکر گردیده، مامور به تبلیغ و دعوت انسان‌ها به پرستش خدای یکتا و دوری از طاغوت بیان کرده است؛ بنابراین این اصل مهم در اسلام یعنی توحید با دو اصل دیگر؛ یعنی نبوت و معاد از پیوند عمیق و ناگسستنی برخوردار می‌باشد. واژه توحید در احادیث و روایات به‌ویژه در «علم کلام» بسیار و به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده واقع شده و در آیاتی با عناوین گوناگون از آن یاد شده است، مانند: یکی بودن خدا «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (توحید، ۱)، «أَنْتُمْ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (انبیاء، ۱۰۸)، «وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ» (ص، ۶۵)، «إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (نساء، ۱۷۱) و هم‌چنین نفی هرگونه خدای ادعای «وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (بقره، ۲۵۵) (آل عمران، ۶۰ و ۶۱ و ۱۸؛ نساء، ۸۷)؛ هم‌چنین در آیات دیگری آمده که خداوند خدای همه عالم است «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ» (زخرف، ۸۴)، «وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (بقره، ۱۶۳)، «إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (نحل، ۲۲) و نیز نهی به اعتقاد به چند خدایی «وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (ذاریات، ۵۱)، «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا» (بقره، ۲۲)، نیز نکوهش آنانی که معتقد به وجود آلهه‌های متعدد هستند «أَتُفَكِّكُمُ لِلَّهِ دُونِ اللَّهِ تُرِيدُونَ» (صافات، ۸۶)، یا نفی هرگونه مثل و مانندی برای خداوند یگانه «كَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری، ۱۱)، «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمِمَّنْ إِلَهٌ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ» (مانده، ۷۳) نفی فرزند از خداوند تبارک و تعالی «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص، ۴) اینها و آیات زیادی در قرآن، نشان از محوری‌بودن توحید در کلام الهی است؛ مانند آیه «وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ» (نحل، ۲۰) و امثال آن که بر توحید در خالقیت دلالت دارد. اما آنچه مهم است و شاید اساسی‌ترین

گفتگو در این باره باشد، گفتگوی توحید در سه حوزه: خالقیت، ربوبیت و عبودیت می‌باشد. توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت و توحید در عبودیت که به الوهیت مشهور هستند، هر سه این حوزه‌ها با هم پیوند عمیق داشته و در جهان‌بینی اسلامی از آن به عنوان اصول دین یاد می‌شود، قرآن با تأکید بر خالقیت خداوند، نسبت خلقت عالم را به چند آفرینش‌گر مردود دانسته و برای خالق‌های ادعایی و دروغ جایی باقی نگذاشته است. قرآن در حوزه دیگری از توحید که به تدبیر الهی تعلق دارد می‌فرماید: اداره و تدبیر همه یا بخش‌هایی از عالم به طوری مستقل به هیچ موجودی سپرده نشده، در این بخش از توحید در قرآن غالباً با مفهوم «رب» یاده شده که یکی از اوصاف خداوند می‌باشد، شاید بیش از نهمصد بار این مفهوم در قرآن تکرار شده باشد. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (فاتحه، ۲)، «قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْعَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام، ۱۶۲). «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ» (رعد، ۱۶). باتوجه به اینکه عمل آفرینش و تدبیر دارای پیوند تکوینی می‌باشد، قرآن در رابطه عبادی میان خود و عبد که توحید در عبودیت نام گذاری می‌گردد، در معنای گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر که لازمه قطعی اعتقاد به خالق و مدبر عالم می‌باشد، تصریح می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶) باتوجه به تبیین حوزه سه‌گانه توحید به این نتیجه می‌رسیم که خداوند هم‌چنان که خالق و موجد مخلوقات و موجودات می‌باشد، (توحید در خالقیت) پرورش‌دهنده و تدبیرکننده امور آن نیز است (توحید در ربوبیت)، خلقت انسان جز از خدای واحد و دانا و توانا میسر نمی‌باشد. تا زمانی که انسان به رشد کافی عقلی و فکری نائل نگردد، پیوسته مورد لطف پروردگار جهان قرار دارد و پس از آن، مورد پرورش تشریحی او قرار گرفته و باید برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی خود به دستورات شرع مقدس عمل کند.

۳-۳. گفتمان حاکم بر افراط‌گرایان مذهبی (دال مرکزی)

اما افراط‌گرایان مذهبی؛ به‌ویژه رهبران فکری این جریان‌ها از آموزه‌های قرآنی و دینی عبور کرده و برداشت ناصواب و افراطی از توحید به‌ویژه «توحید عبادی» ارائه کرده‌اند، باتوجه به این برداشت پژوهش حاضر، توحید عبادی را به عنوان دال مرکزی

قرائت آنان لحاظ کرده و گفتمان حاکم بر افراط‌گرایان مذهبی را بر این مبنا مفصل‌بندی می‌کند.

ابن تیمیه به‌عنوان بنیان‌گذار فکری گروه‌های افراط‌گرایان مذهبی با قرائت جدید از توحید، توحید را بر سه دسته تقسیم کرده که عبارتند از توحید ربوبی: یعنی یگانه‌دانستن الله در افعال مانند: خالقیت، رازقیت و... توحید عبادی و الوهی: یعنی یگانه‌دانستن الله در پرستش همراه با محبت و تعظیم و... توحید در اسما و صفات: در تقابل شرک در ادبیات افراط‌گرایان مذهبی نقطه مقابل توحید قرار دارد، از نگاه افراط‌گرایان مذهبی شرک به دو گونه تقسیم می‌گردد که عبارتند از: شرک اکبر: یعنی پرستش غیر خداوند مانند بت‌پرستی و انواع پرستش‌های غیر خدا که در جهان وجود دارند، جزء مصادیق شرک بوده و افرادی که این‌ها را پرستش می‌کنند، مشرک می‌باشند. شرک اصغر: شرکی است که به حد شرک اکبر نمی‌رسد؛ مانند استفاده از انگشتر، مهره شفا، سوگند به غیر خدا، توسلات به بزرگان از پیامبران و الائمه علیهم‌السلام زیارت اهل قبور و خیرات و نذورات و ... (محمدی و مهدویان، ۱۳۹۴، صص ۲۵-۲۶).

بنیان‌گذاران این اندیشه و پیروان آنها با تفسیر و توسعه این سه نمونه توحید و تعیین مصادیق برای شرک، دست به توسعه معنای این مفاهیم برده و هر که با مصادیق ادعایی آنها در زمینه توحید و هم‌چنین شرک تطابقی نشان ندهد، حکم شرک و کفر بر او بار کرده و او را مهدورالدم می‌خوانند. در نگرش افراط‌گرایان مذهبی موارد و مصادیقی که موجب کفر و شرک می‌گردد عبارتند از: آویزان کردن گردن‌بند، انگشتر، تبرک جستن به هر گونه سنگ و چوب (گرچند ضریح انبیاء و اولیای الهی باشد)، ذبح حیوان برای غیر خدا، نذورات به غیر نام الله، کمک‌خواستن از غیر خدا، برپایی اعیاد سنتی و... که حکم شرک و کفر را دارد و مجریان آن را باید کافر و مشرک خواند (داودی، ۱۳۹۲، ص ۷).

ابن تیمیه، محمدبن عبدالوهاب و گروه‌های افراط‌گرایان مذهبی با توجه به تقسیم توحید به توحید ربوبی، توحید عبادی و توحیدی اسما و صفات و با اهمیت دادن به توحید عبادی و تفسیر افراطی از آن، معتقدند که پیامبران تنها برای دعوت به توحید

عبادی مبعوث گردیده‌اند. محمد بن عبد الوهاب معتقد است که توحید ربوبی به تنهایی مانع از کفر کسی نمی‌گردد. وی با استدلال بر اینکه مقصود از توحید در اسلام، توحید عبادی می‌باشد و خداوند با کلمه «لا اله الا الله» توحید عبادی را قصد کرده. او نیز از آیاتی چون: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا، قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا» و همچنین آیات «وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (یونس، ۱۰۶) «وَأَنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (نساء، ۱۱۷) و نیز با استفاده از آیات دیگر از جمله: (غافر، ۶۰ و ۷۳ و ۷۴؛ رعد، ۱۴؛ اعراف، ۱۹۴؛ احقاف، ۴ و ۶؛ فرقان، ۶۸؛ شعراء، ۲۱۳؛ صافات، ۱۲۵) در رابطه با عبادت خداوند می‌گوید: عبادت مخصوص خداوند است و عبادت غیر خداوند مجاز نیست و جزء شرک و کفر به شمار می‌رود، افراط‌گرایان مذهبی با سوءاستفاده از این آیات، کفر و شرک را این‌گونه معنا کرده‌اند که توحید یعنی تسلیم و تسلیم باید مخصوص خداوند باشد، و نیز تسلیم برای خدا باید خالی از هرگونه کفر و شرک باشد. آنها با توجه به توسعه معنایی شرک و کفر هرگونه توسل به غیر خدا را شرک و کفر دانسته و اعتقاد دارند که توسل به پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اولیای الهی شرک است و متوسلین به آنان مشرک‌اند؛ آنها با تمسک به ظاهر آیه مبارکه «مَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» (مائده، ۷۲) هر کسی به خداوند تبارک و تعالی شرک روا دارد، بهشت بر او حرام می‌باشد. بر این اساس آنها معتقدند مسلمان واقعی کسی است که نه تنها به اولیای الهی توسل نمی‌جوید بلکه از این گونه افراد برائت جسته و آنها را کافر و مشرک می‌داند؛ از این رو محمد بن عبد الوهاب ریختن خون این گونه افراد را مباح و به کذب، ادعای اجماع نموده و ادعا کرده همه مذاهب اجماع دارند بر اینکه کسی که بین خود و خداوند واسطه قائل شود و آن واسطه را بخواند و به آن توسل جوید، کافر و مرتد است و مال و خونش حلال می‌باشد (محمدی و مهدویان، ۱۳۹۴، ص ۴۷). این برداشت از شرک و کفر راه را برای تکفیر و حملات گروه‌های افراط‌گرایان مذهبی باز کرده و در حوزه روابط اجتماعی و زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی مشکلات فراوان خلق کرده و صلح، مراوده و همدیگرپذیری و رفتار همراه با اخوت دینی و اسلامی در جهان اسلام به‌ویژه کشور اسلامی افغانستان، برهم زده است. امروزه هیات فتوای سعودی که دارای

تشکیلات رسمی در حجاز می‌باشد، فتوایی در تکفیر متوسلان به اهل البیت علیهم‌السلام دارد؛ به اندازه‌ای که ازدواج با زنان اهل کتاب را روا دانسته ولی ازدواج با شیعیان را غیرمجاز می‌داند. آنها نه تنها شیعیان، بلکه تمام فرقه‌های دینی مخالف خود را مشرک و کافر خطاب کرده و کشتار و قتل عام آنها را مباح می‌دانند. هیات فتوای سعودی با این فتاوا نه تنها زندگی مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی را در کشورهای اسلامی به ویژه افغانستان از میان برده، بلکه توانسته اختلاف و تفرقه اساسی در جامعه اسلامی ایجاد کنند. افراط‌گرایان مذهبی به پیروی از اندیشه و افکار محمدبن عبدالوهاب توسل و طلب حاجت از انبیا و اولیای الهی را شرک و اعتقاد به مشرک بودن متوسلین دارد. از این نظر معتقدند باید اینها را از میان برد، به همین دلیل در جهان اسلام به خصوص کشور افغانستان بسیاری از شیعیان را مورد حملات هدف‌مند قرار داده و بسیاری را به اتهام مشرک و کافر بودن قتل عام کرده‌اند. استمرار و تشدید این روند افزون‌بر معضلات و بی‌ثباتی اجتماعی به تعمیق خصومت، کشتار گسترده و قتل عام‌های خونین منجر خواهد شد.

۱-۳-۳. نقد گفتمان حاکم بر افراط‌گرایان مذهبی

از جمله مباحث مرتبط با توحید، توحید عبادی است؛ که در این پژوهش به عنوان دال مرکزی گفتمان افراط‌گرایان مذهبی مطرح شد. توحید عبادی یعنی پرستش و بندگی مخصوص خداوند متعال و کسی دیگر شایستگی و ظرفیت بندگی و عبادت را نداشته و ندارد. این باور و اعتقاد مورد پذیرش همگان به ویژه عموم مسلمانان می‌باشد؛ اما آنچه این مهم را به چالش می‌کشاند در مصداق عبادت و بندگی است. برای مثال حاجت طلبیدن و یا توسل به اولیای الهی برای رفع گرفتاری و مشکلات از مصادیق چیست؟ آیا عبادت است که منجر به شرک و کفر می‌گردد یا از مصادیقی است که منجر به کفر و شرک نمی‌شود؟ چنانچه بیان گردید وهابیت و گروه‌های افراط‌گرایان مذهبی نظریه خاصی در این مورد ارائه نکرده‌اند که باید مورد بررسی و نقد قرار گیرد.

۳-۴. کفر و شرک از منظر افراط‌گرایان مذهبی (دال شناور)

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز می‌گوید: خداوند در کتاب کریم‌اش و بر لسان رسول الله ﷺ که از جانب خداوند بهترین درودها و سلام‌ها بر او باد، بیان فرموده: که عبادت حق خداوند است و در آن حقی برای غیر او نمی‌باشد و اینکه دعا و طلب حاجت از جمله عبادت‌اند، پس هر کسی و در هر بخشی از این جغرافیا بگوید یا رسول الله، یا نبی خدا، یا محمد مرا کمک و یاری نمایید، مرا دریابید، مرا شفا دهید، امتت را یاری کنید، مریضان مسلمانان را شفا دهید، گمشده آنها را هدایت نمایید یا شبیه این گفتارها، به‌طور حتم پیامبر ﷺ را شریک خداوند در عبادت قرار داده و همچنین هر فردی مثل این گونه گفتار و تعبیرات را درباره غیر از پیامبر اسلام ﷺ از انبیاء و اولیا و جن و بت‌ها یا غیر از اینها از مخلوقات به کار بگیرد، حکمش همان کفر و شرک می‌باشد (بن باز، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۴). ایشان در جای دیگر می‌گوید: طلب حاجت از تو پناه‌بردن به او و در خواست کمک و یاری از او تماماً مصداق شرک و کفر و از اعمال بت‌پرستان در زمان پیامبر ﷺ از لات و عزی و منات و دیگر بت‌های جاهلیت است (بن باز، بی‌تا، ج ۲، صص ۷۴۶-۷۴۷).

۳-۴-۱. نقد افراط‌گرایان مذهبی در حوزه شرک و کفر (دال شناور)

گفتگو در رابطه با عبادت به‌ویژه عبادت خداوند تبارک و تعالی در سه بخش مطرح می‌شود که عبارتند از:

- الف) گفتگوی مفهومی، که مقصود از آن تحلیل و بررسی مفهوم عبادت و به‌دست آوردن ارکان عبادت و بندگی از متون دینی چون: قرآن و روایات می‌باشد.
- ب) گفتگوی حکمی، که مراد از آن، تبیین و بررسی حکم عبادت است، که در این زمینه همه اتفاق نظر دارند که عبادت و بندگی مخصوص خداوند است و هیچ‌کسی یا فردی به جز خداوند تبارک و تعالی شایستگی و شأنیت عبادت را ندارد.
- ج) گفتگوی مصداقی، که مراد از آن، تحلیل و بررسی مصداق عبادت است که مورد اختلاف افراط‌گرایان مذهبی با بقیه قرار گرفته است، افراط‌گرایان مذهبی خیلی از

مسائل را مصداق عبادت غیر خدا دانسته و حکم کفر و شرک را بر آن بار می‌کنند، مانند حاجت‌طلبیدن از اولیای الهی، شفاعت و توسل و... .

در این مقام گفتگوی مصداقی مطلب را مورد بررسی قرار داده و مصداق عبادت را به بررسی گرفته و گفتمان حاکم بر افراط‌گرایان مذهبی به‌عنوان دال شناور در این زمینه با توجه به آیات قرآن به نقد می‌گیریم. آنچه از آیات قرآن، استنباط می‌شود عبارتند از: یکم: عبادت در صورتی معنا می‌یابد که در آن نهایت خضوع و بندگی باشد؛ لذا خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۲۵) ما پیش از شما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی نمودیم که معبودی جز من نیست پس تنها مرا عبادت نمایید. از آنجا که «فا» در (فَاعْبُدُونِ) فای تفریع می‌باشد، دلالت بر این دارد که در عبادت فقط باید خداوند متعال را قصد کرد و جز او کس دیگری نباید عبادت شود. مفاد این گفتگو را در آیات دیگری از جمله: حجر، ۹۶، مریم، ۸۱، مومنون، ۱۱۷ و فرقان، ۳ می‌توان یافت که بر این ویژگی دلالت دارد.

دوم: عبادت باید همراه با خضوع و بندگی و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت استقلالی باشد، و فرد کسی را عبادت می‌کند که آن عبادت‌شونده از استقلال برخوردار باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (مریم، ۳۶) خداوند پروردگار من و شما است، او را عبادت کنید این است راه راست. از «فاء» تفریع در (فَاعْبُدُوهُ) استنباط می‌گردد که باید خداوند را با قصد و نیت اینکه او رب و مستقل است عبادت کرد؛ همچنین از آیه ۷۲ سوره مائده این مطلب استفاده می‌گردد که عبادت باید همراه با نیت خضوع و تذلل باشد و هم‌چنین عمل عبادی باید با اعتقاد به ربوبیت و الوهیت انجام پذیرد و الا در معنای عبادت با مشکل مواجه می‌گردیم.

شوربختانه افراط‌گرایان مذهبی در این زمینه نیز مثل بقیه امور راه افراط و تفریط را پیموده و معنای عبادت را به مطلق خضوع و تذلل کاهش داده درحالی که این مخالف آموزه‌ها دینی و مخالف صریح آیات قرآن است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده، ۵۴) در آینده

خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنها نیز خداوند را دوست دارند و در برابر مومنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومند می‌باشند. با توجه به ظاهر این آیه باید ذلت استفاده گردد و معنای عبادت تداعی شود؛ در حالی که هیچ کسی از این آیه معنای عبادت استفاده نکرده است و یا آیه‌ای که خداوند متعال به سجود ملائکه بر حضرت آدم علیه السلام امر کرده که می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره، ۳۴) با توجه به مبانی وهابیت و افراط‌گرایان مذهبی باید این عمل شرک و کفر باشد و حال آن که حتی افراط‌گرایان در توجیه این آیه می‌گویند این عمل به دستور خداوند بوده و هر کاری که به دستور الهی باشد اشکال ندارد. به نظر می‌رسد این توجیه خالی از اشکال نیست؛ زیرا اگر سجده بر حضرت آدم علیه السلام عبادت و پرستش غیر خداوند باشد، لازمه‌اش این است که غیر خدا را عبادت کرده و شرک است و امر خداوند شرک را مبدل به عبادت نمی‌کند؛ برای مثال اهانت و فحشا اگر چه به امر شارع باشند نمی‌توانند آن را از موضوعش خارج کنند، وانگهی خداوند هرگز به اهانت و فحشا امر نمی‌نماید؛ بنابراین خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ خداوند هرگز به کار زشت امر نمی‌کند آیا چیزی به خدا نسبت می‌دهید که نمی‌دانید؟ (اعراف، ۲۸). با توجه به آیات ذکر شده و آیات فراوان دیگر در این باب به این نتیجه می‌رسیم که در عبادت باید دو امر لحاظ گردد، نخست اینکه، عبادت باید از سر خضوع و بندگی باشد و دوم اینکه، عبادت در صورتی صدق می‌کند که خداوند را در عبادت مستقل لحاظ کرده و او را میرا از هرگونه نیاز و احتیاج فرض کنیم. چون او قادر مطلق است. هستی و نیستی همه و همه در دست با کفایت او انجام می‌پذیرد.

۱-۴-۳. نقد افراط‌گرایان مذهبی در حوزه توسل و طلب حاجت (دال شناور)

توسل و طلب حاجت، موضوعی است که افراط‌گرایان مذهبی به آن حساس بوده و مجریان آن را جزء مشرکان دانسته و عمل‌کنندگان به این امر را مشرک و مهدورالدم می‌خوانند. در حالی که با مراجعه به قرآن و آموزه‌های دینی خلاف آن را می‌توان نشان

داد. دعا و توسل در قرآن به چند دسته تقسیم می‌گردد:

الف) دعا به معنای عبادت و پرستش، که معمولاً با واژه‌های «مِنْ دُونِ اللَّهِ» و «مِنْ دُونِهِ» آمده است مانند: «قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» (غافر، ۶۶) و «وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ» (زخرف، ۸۶) و یا در آیات دیگر مانند: اعراف، ۱۹۴، حج، ۱۲ و ۷۳، انعام، ۷۱، غافر، ۷۳-۷۴، هود، ۱۰۱ و نحل، ۸۶... به چنین محتوایی اشاره شده است.

ب) دعا و طلب حاجت به معنای خواستن و استغاثه، این معنا گاه در امور دنیوی به کار برده می‌شود که اجابت و رد آن در نزد خداوند متعال است و گاه در امور اخروی که در مورد ندای دوزخیان به کار رفته است. دعایی در امور دنیوی در قرآن آمده که می‌فرماید: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (اسرا، ۱۱۰) بگو «الله» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید (ذات پاکش یکی‌اند) و برای او بهترین نام‌ها است. و هم چنین آیات دیگر که در این زمینه وجود دارد مانند: فصلت، ۴۹، انعام، ۴۰-۴۱، یونس، ۸۹، آل عمران، ۳۸، قمر، ۱۰، هود، ۴۵ و زمر، ۸ و نیز در زمینه دعا و طلب حاجت در امر اخروی که آمده است: «فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (غافر، ۵۰) پس هر چه می‌خواهید خدا را بخوانید ولی دعای کافران به جایی نمی‌رسد و جز در ضلالت نیست، و نیز آیاتی همچون فرقان، ۱۴ و کهف، ۵۲ که در این زمینه وجود دارد و بر این معنا دلالت دارد.

ج) دعای برای هدایت و ضلالت این معنا در قرآن در جایی استفاده شده که «کلمه» دعا با لام یا الی متعدی شده باشد مانند: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا» (فصلت، ۳۳) چه کسی خوش گفتارتر است از آن کسی که دعوت به سوی خدا می‌نماید و عمل صالح به جا می‌آورد. یا آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص، ۴۱) و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند. در آیات دیگری همچنین مفاهیمی آمده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: نخل، ۱۲۵، شوری، ۱۳، غافر، ۴۱، حدید، ۶ و محمد، ۳۸.

متأسفانه افراط‌گرایان مذهبی به پیروی از رهبران فکری‌شان میان این‌گونه دعا و

طلب حاجت خلط کرده و آیاتی که مربوط به عبادت و بندگی است به دعایی که به معنای مسألت و خواستن و طلب حاجت‌اند حمل کرده و مجریان این دعاها را به کفر و شرک به جهت توسل و طلب حاجت متهم کرده و جریانی را به راه انداخته که امروزه از آن به جریانی تکفیری انتحاری یاد می‌شود و با اعمال و رفتار خود زمینه‌های خصومت، تقابل و کشتار را در جهان اسلام به‌ویژه کشور اسلامی افغانستان تمهید کرده است. درحالی‌که توسل و طلب حاجت به «اذن خداوند» از اولیای الهی و مقربان درگاه او نه تنها منع نگردیده بلکه با توجه به آیات قرآن توصیه نیز شده است. قرآن و آموزه‌های دینی دعا، استغاثه و طلب حاجت از اولیای الهی را نه شرک بلکه در بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره شده است؛ از این رو ضرورت دارد در این حوزه معنایی میان موارد مختلف با توجه به محتوای آن تفصیل قائل شد.

با نگاه به قرآن، توسل به اولیای الهی بر دو گونه می‌باشد: اگر توسل به اولیای الهی بدون اذن الهی باشد و اولیای الهی را مستقل در بر آوردن حاجات بدانیم مسلماً شرک است و عموم مسلمانان بر آن اجماع دارند؛ اما اگر توسل به اذن خداوند باشد، نه تنها اشکال ندارد بلکه ریشه قرآنی و روایی نیز دارد، چنانچه طلب حاجت از اولیای الهی به اعتقاد اینکه به اذن خداوند باشد در آیات زیادی آمده همان‌طور که خداوند متعال از قول حضرت مسیح علیه السلام می‌فرماید: «وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفِخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ أَتَبْخُلُونَ بِمَا تُؤْتُونَ اللَّهَ لَأُنَبِّئَكُمْ بِمَا تَكْفُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۴۹) من از گیل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم، سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده می‌گردد، و به اذن خداوند کور مادر زاد و مبتلیان به برص (پیسی) را بهبود می‌بخشیم، و مردگان را به اذن خداوند زنده می‌کنیم، و یا در باره حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «فَسَحَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ» پس ما باد را مسخر او ساختیم تا به فرمانش به نرمی حرکت کند و به هر جا او می‌خواهد برود. و یا در سوره نمل آمده: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْمُرُنِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل، ۳۸) سلیمان گفت: ای بزرگان کدام یک از شما تخت او را برای

من می‌آورید پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیید؛ همچنین در آیه ۴۰ سوره نمل می‌فرماید: کسی که دانش از کتاب آسمانی دارد پیش از اینکه چشم بهم زیند آن را نزد شما خواهم آورد، هنگامی که حضرت سلیمان تخت را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: این از فضل پروردگار من است، این آیات و آیات دیگر همچون: آل عمران، ۴۵، بقره، ۶۱، یوسف، ۹۷-۹۸ نشان از جواز توسل به رسول خدا و اولیا الهی به اذن خداوند متعال دارد. این آیات و نیز آیات دیگر در قرآن نشان از این دارد که حکم تکفیر آن هم به نوع گسترده‌ی آنکه افراط‌گرایان مذهبی به آن باور دارند و در هنجارهای رفتاری خود از آن بهره می‌برند و مشکلاتی برای کشورهای اسلامی به‌ویژه کشورهای درگیر و افغانستان به‌وجود آورده‌اند، خلاف آموزه‌های قرآن بوده و از آموزه‌های دینی به دور است.

گروه افراط‌گرایان مذهبی با پیروی از افکار و اندیشه‌های رهبران فکری و ایدئولوژی خود از آیاتی که در حوزه عبادت و بندگی آن هم در صدر اسلام و در جغرافیای مکه با شأن نزول مشرکین نازل گردیده و با سوءاستفاده از این آیات و نادیده‌انگاشتن آیاتی که برای طلب حاجت و استغاثه نازل گردیده است افکاری خلق کرده که امروزه هر گونه رفتار عبادی که به مذاق آنها خوش نیاید به کفر و شرک متهم کرده و عاملین آن را مشرک و کافر خطاب کرده یا مهدورالدم خوانده و جان و مال‌شان را مباح می‌دانند. در صورتی که طبق آیاتی که در حوزه طلب حاجت و استغاثه به اذن الهی توسط انبیاء و اولیای الهی طبق آموزه‌های قرآنی نه تنها گناه نیست بلکه توصیه نیز گردیده است. با توجه به آیات قرآن افراط‌گرایان مذهبی برخلاف آموزه‌های قرآنی «اعتقاد» به کفر اکثر مسلمانان دارد و این «اعتقاد و باور» متأسفانه ارزش‌ها و هنجارهایی را خلق کرده که امروزه گروه‌های افراطی آن را در قالب رفتارها و هنجارهای خشونت آمیز در جوامع اسلامی اعمال می‌کنند. به‌عنوان نمونه رفتار خشونت‌آمیز این گروه‌های افراطی در کشورهای اسلامی چون: عراق، سوریه، پاکستان و افغانستان به‌ویژه در مقابل شیعیان در افغانستان نمود عینی این باور و رفتار مبتنی بر این باور دینی است. این مقاله با توجه به باورهای دینی افراط‌گرایان مذهبی راجع به توحید

به ویژه توحید عبادی به عنوان دال مرکزی سعی نمود، مفاهیم دینی چون: شرک، کفر، شفاعت و توسل و... به عنوان دال شناور بر محور توحید عبادی مفصل بندی کرده و گفتمان را به معرفی بگردد که بر خلاف گفتمان رایج در جوامع اسلامی است.

نتیجه گیری

آنچه باعث تفاوت ادیان و مذاهب شده، شیوه خوانش و تفسیر از متن مقدس است. باورهای دینی، ارزش های مبتنی بر باورهای دینی و در نتیجه هنجارهای رفتاری برآمده از دل باورها و ارزش های دینی باعث می گردد تا هنجارهای رفتاری افراد و گروه های مذهبی از یکدیگر متفاوت باشد. مسئله افراط گرایی مذهبی یکی از ناهنجاری ها و معضلات اساسی امروز جوامع دینی بر شمرده شده است که می تواند بسیاری از افراد و جوامع را در شرایط تقابل، جنگ و کشتار بیرحمانه قرار دهد. ظهور گرایش های متفاوت و مختلف در جهان به خصوص در جهان اسلام نشان از این واقعیت نامیمون دارد. افراط گرایی مذهبی به لحاظ تاریخی ریشه در گروه افراطی خوارج دارد و در صدر اسلام بروز و ظهور داشته است.

در زمان حال ما شاهد افراط گرایی مذهبی با گرایش های مختلف در جهان اسلام هستیم. این جریانات ریشه در مبانی و دیدگاه های ابن تیمیه و محمد ابن عبد الوهاب دارد، آن ها با قرائت نو از عقاید سلفیه، توحید را بر سه قسم: توحید ربوبی، توحیدی عبادی و توحید اسما و صفات خداوند دسته بندی کرده و با اهمیت دادن به توحیدی عبادی و تفسیر افراطی از آن، گفتمان را در میان پیروان شان خلق کرد که از آن به گفتمان افراط گرایی مذهبی یاد می گردد.

رهبران فکری افراط گرایان مذهبی بر این اعتقادند که مقصود از توحید در اسلام، توحید عبادی است و خداوند با کلمه «لا اله الا الله» توحید عبادی را قصد کرده و نیز مراد از واژه تسلیم، تسلیم فقط در برابر خداوند است و تسلیم در برابر غیر خداوند شرک و کفر به شمار می رود. با توجه به این تفسیر، توسل و طلب حاجت است که منجر به کفر و شرک می گردد و باید از آن اجتناب گردد. در این صورت مسلمان

به خصوص شیعیان که برای تقرب به خداوند متوسل به انبیا و اولیایی الهی می‌گردد و طلب حاجت می‌کند، عمل مشرکانه انجام داده، کافر و مشرک به شمار می‌آید و باید بر آنها احکام کفر و شرک جاری گردد، این استنباط ناروا از آموزه‌های دینی و قرآنی در جوامع اسلامی، تقابل‌ها، خشونت‌ها کشتار، غارت، ناامنی و بی‌ثباتی اجتماعی و ساختاری را به وجود آورده است؛ از همین رو این کشور دهه‌ها است که با این نوع مسائل درگیر است. بر این اساس دلیل اصلی شکل‌گیری افراط‌گرایی مذهبی فهم نادرست از متون دینی مبانی کلامی به خصوص توحید عبادی به مثابه دال مرکزی گفتمان دینی است. در افغانستان امروزه این تلقی در ترکیب با سنت‌های قبیله‌ای به اختلافات، تقابل‌های اجتماعی و اختلافات گسترده دامن زده و سبب ایجاد خشونت‌های خونینی شده است.

این پژوهش با توجه به گفتمان افراط‌گرایان مذهبی حول توحید، توحید عبادی را به عنوان دال مرکزی و مفاهیمی چون: کفر، شرک، شفاعت و توسل و... را به عنوان دال‌های شناور، مد نظر و مورد تحلیل قرار داده و تلاش کرده ثابت کند که این برداشت از توحید و همچنین مفاهیم مرتبط با آن همانند کفر و شرک نادرست بوده و بر اساس این درک نادرست مسائل و مشکلات بی‌شمار اجتماعی و دینی در شکل‌های جنگ، خشونت و کشتار گسترده در جوامع اسلامی به خصوص کشورهای خاورمیانه و افغانستان به وجود آمده است. گفتمان جدید و نوظهور حاکم بر گروه‌های افراط‌گرایان مذهبی، در زمان کنونی قلمروهای گسترده را در روابط و مناسبات اجتماعی جهان اسلام به خصوص افغانستان در بر می‌گیرد؛ از این رو مخاطرات و پیامدهای آن را نباید در جنبه‌های مادی و ساختاری جامعه اسلامی افغانستان خلاصه کرد؛ بلکه مهمتر از جنبه‌های مادی، جنبه‌های معنوی جامعه افغانستان چون: اعتقادات و باورها و ارزش‌های دینی جامعه است که آن را نیز به صورت بنیادی در مخاطره قرار داده است. این احتمال وجود دارد که در صورت عدم توجه به این امر و تشدید این روند، جامعه اسلامی افغانستان کم‌کم از سنت‌های اصیل اسلامی خود گسست داده شده و فاصله گیرد که این امر مشکلات فراوان و عدیده روحی-روانی و اجتماعی را بر مردم مسلمان این

کشور تحمیل خواهد کرد. این کشور چندین دهه است که با مسائل سهمگین اجتماعی و دینی دست و پنجه نرم کرده و هر روز بیش از دیروز بر مشکلات اجتماعی و فرهنگی اش افزوده می شود.



فهرست منابع

* قرآن

- آدمی، علی. (۱۳۹۴). چیستی افراطی‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش
هنجاری. فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۵(۳)، صص ۲۹-۵۹.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۲۱ق). رسالة التدمرية، الاسماء والصفات. رياض: مكتبة
العبيكان.
- ابن منظور، حمید ابن مکرم الافریقی. (۱۳۷۵). لسان العرب. بیروت: انتشارات دار البیروت.
- بابایی، رضا. (۱۳۹۹). دیانت و عقلانیت، چیستارهایی در قلمرو دین پژوهی و آسیب‌شناسی دین
(چاپ سوم). تهران: انتشارات آرما.
- بابی، سعید. (۱۳۹۰). هراس بنیادین (مترجمان: غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، چاپ
دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بريجانيان، ماری. (۱۳۵۵). فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی (چاپ سوم). پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بن عبد الوهاب، محمد. (۱۴۱۱ق). درء التعارض العقل والنقل (محقق: محمد رشاد سالم).
عربستان: انتشارات جامعه الامام محمد بن مسعود الاسلاميه.
- بن عبد الوهاب، محمد. (بی‌تا). مجموعه رسائل فی توحید و الايمان (محقق: اسماعیل بن محمد
انصاری). ریاض: دانشگاه محمد بن مسعود.
- پیتر، هربوت. (۱۴۰۰). بنیادگرایی (جهانی، محلی، شخصی) (مترجم: محمد رزاقی، چاپ اول).
تهران: نشر نگاه معاصر.
- جمالی، جواد. (۱۳۹۰). مدل تئوریک تحلیل افراط‌گرایی (کاربست نظریه سازه‌انگاری).
فصل‌نامه افاق امنیت، ۴(۱۲)، صص ۱۴۵-۱۷۰.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

داودی، سعید. (۱۳۸۹). توسل توحید یا شرک (چاپ سوم). قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

رمضان البواطی، محمدسعید. (۱۳۸۹). سلفیه بدعت یا مذهب، نقد بر مبانی و وهابیت (تقریظ: واعظزاده خراسانی، مترجم: حسین صابری، چاپ چهارم). مشهد: بنیاد پژوهشی آستان قدس رضوی.

عبدالاسلام، فرج، محمد. (بی تا). جهاد فریضه غائبه. بی تا. عبدو، محمد. (۱۳۸۸). چالش‌های وحدت و راهبرد رویارویی کنکاش در تشخیص موانع وحدت و تقریب و راه‌های بر طرف ساختن آنها. اندیشه تقریب، ۵(۲۰)، صص ۱۹-۳۰. عمید، حسن. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات سمت.

قرضاوی، یوسف. (۱۴۰۲ق). الصحوه السلامیه بین الجمود و التطرف. قطر: ریاست دادگاه‌های شرعی و امور دینی.

محمدی، سیدحسن؛ مهدویان، محمدحسین. (۱۳۹۴). عقلانیت دینی جاهلیت مدرن (چاپ اول). قم: نشر جامعه المصطفی العالمیه.

موحد، مجید؛ برومندزاده، محمدرضا و فخری‌زاده، حسن. (۱۳۹۰). رویکرد جامعه‌شناختی بر بنیادگرایی یا افراط‌گرایی در ادیان. فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی، دانشگاه اسلامی، ش ۱۷، صص ۱۱۹-۱۴۲.

ویلکاکی، لیرد. (۱۳۸۲). افراط‌گرایی سیاسی چیست (مترجم: فیروزه مهاجر). کتاب توسعه، شماره ۱۴، صص ۱۰۶-۱۱۲.

References

*The Holy Quran

- Abduh, M. (2010). Challenges of unity and strategies for addressing them: Examining obstacles to unity and rapprochement and ways to overcome them. *Andishe-ye Taqrib*, 5(20), pp. 19–30. [In Persian]
- Adami, A. (2015). The essence of extremism in political Islam: Identity roots and normative actions. *Journal of Political Research in the Islamic World*, 5(3), pp. 29–59. [In Persian]
- Amid, H. (2008). *Amid Persian dictionary*. Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
- Babaei, R. (2020). *Faith and rationality: Explorations in the domain of religious studies and religious pathology* (3rd ed.). Tehran: Arma Publications. [In Persian]
- Babaei, S. (2011). *Fundamental fear* (G. Jamshidiha & M. Anbari, Trans., 2nd ed.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Brijaniyan, M. (1976). *Dictionary of terms in philosophy and social sciences* (3rd ed.). Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Davoodi, S. (2010). *Tawassul: Monotheism or shirk* (3rd ed.). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib Publications. [In Persian]
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda dictionary* (2nd ed.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Faraj, M. A. (n.d.). *Jihad: The forgotten obligation*.
- Ibn Abd al-Wahhab, M. (1990). *Dar' al-Ta'arud al-Aql wa al-Naql* (M. R. Salim, Ed.). Saudi Arabia: Imam Muhammad ibn Saud Islamic University Press. [In Arabic]
- Ibn Abd al-Wahhab, M. (n.d.). *Majmu'at Rasa'il fi Tawhid wa al-Iman* (I. M. Ansari, Ed.). Riyadh: Imam Muhammad ibn Saud University.
- Ibn Manzur, H. I. M. (1996). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Beirut Publications. [In Arabic]

- Ibn Taymiyyah, A. A. (2000). *Risalat al-Tadmuriyyah: Al-Asma wa al-Sifat*. Riyadh: Maktabat al-Ubaykan. [In Arabic]
- Jamali, J. (2011). Theoretical model for analyzing extremism (application of constructivism theory). *Journal of Afaq-e Amniyat*, 4(12), pp. 145–170. [In Persian]
- Mohammadi, S. H., & Mahdavian, M. H. (2015). *Religious rationality and modern ignorance* (1st ed.). Qom: Al-Mustafa International University Press. [In Persian]
- Mouhood, M., Bromanzadeh, M. R., & Fakhrizadeh, H. (2011). Sociological approach to fundamentalism or extremism in religions. *Specialized Journal of Social Sciences, Islamic University*, 17, pp. 119–142. [In Persian]
- Peter, H. (2021). *Fundamentalism (global, local, personal)* (M. Razaghi, Trans., 1st ed.). Tehran: Contemporary Vision Press. [In Persian]
- Qarzawi, Y. (1981). *Al-Sahwah al-Islamiyyah bayna al-jumud wa al-tatarruf*. Qatar: Sharia Courts and Religious Affairs Administration. [In Arabic]
- Ramadan al-Bowati, M. S. (2010). *Salafism: Innovation or a school of thought? A critique of Wahhabi principles* (H. Saberi, Trans., 4th ed., Preface by M. K. Khurasani). Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. [In Persian]
- Wilcock, L. (2003). What is political extremism? (F. Mohajer, Trans.). *Kitabe Tose'eh*, 14, pp. 106–112. [In Persian]